



تجهیز و ساماندهی محله قلعه محمود کرمان



خلاصه پایان نامه

نگارش : آزاده ارجمند کرمانی

اساتید راهنما : دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی - مهندس احمد منتظر

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته معماری

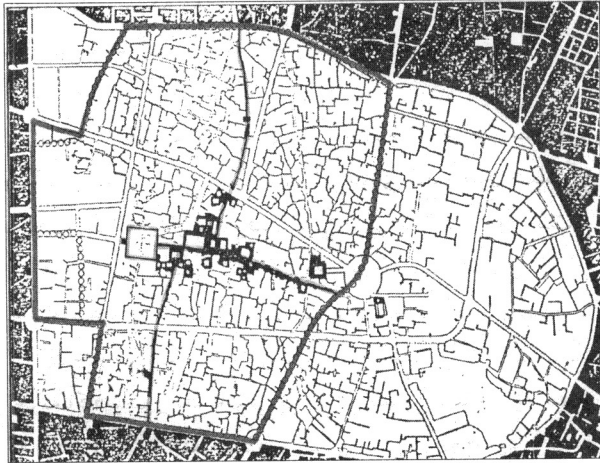
بهمن ماه ۱۳۸۴

قلمه محمود کرمان

تجهیز و ساماندهی محله

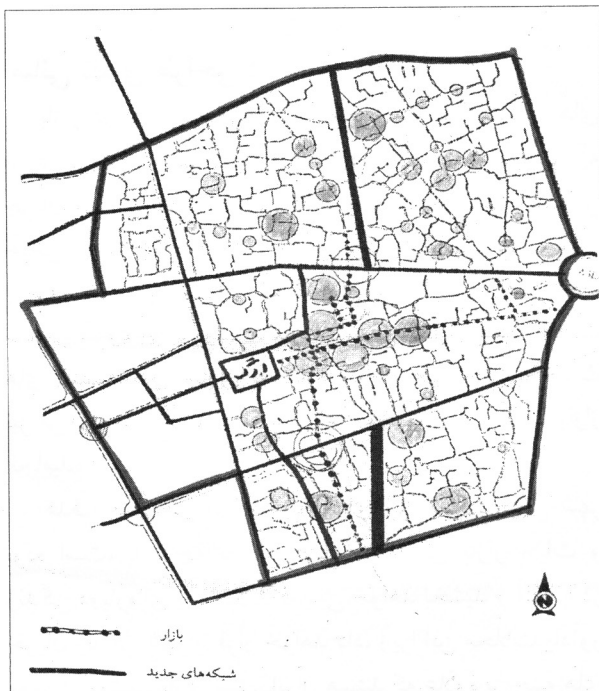
نگارش: آزاده ارجمند کرمانی
اساتید راهنما: دکتر باقر آیت الله زاده شیرازی
مهندس احمد منتظر

شهر قدیم کرمان را به صلیب کشیدند. این محورها در دهه های بعد بسیاری از واحدهای جدید تجاری را در کنار خود پذیرا شدند و بدین ترتیب رقیبی جدی برای ستون فقرات و بازار شهر قلمداد گردیدند.



بازار کرمان به مثابه ستون فقرات شهر

در همین حال توسعه بیرونی شهر نیز بصورت گسترده شروع شد و بسیاری از ساکنین اصلی شهر قدیم به این کانون های جدید تغییر مکان دادند. آنان واحدهای قبلی خود را رها کردند و هیچگونه اقدام مرمتی بر روی آنها انجام نمی دادند. در کنار فرسودگی واحدهای مسکونی بناهای عام المنفعه نیز چون حمام، آب انبار، کاروانسرا و ... در مقابل راه اندازی واحدهای



ایجاد خیابانها در داخل بافت قدیم

چکیده رساله :

در اینکه بافت قدیم کرمان یکی از ارزشمندترین بافت های تاریخی کشور بخصوص در بخش ساخت شهری و عناصر ساختاری می باشد بر کسی جای شک و تردید نیست. این بافت دارای دوره های توسعه گوناگونی است که در هر دوره ای آثار و یا مجموعه ای بر بافت قبلی اضافه شده است، بدون اینکه بر بافت گذشته خدشه ای وارد آورد. این روند تا اوایل قرن حاضر تداوم داشته است اما با ورود و اجرای الگوهای توسعه جدید شهری و احداث خیابان ها در بافت شهری نه تنها به گذشته شهر توجهی نشده بلکه موجبات چندپارگی آن نیز فراهم آمده است. بگونه ای که خیابان های جدید الاحداث بافت

جایگزینی خدماتی عملکرد اصلی خود را از دست دادند و متروکه شدند.

از طرفی ایجاد خیابان های عریض برای دسترسی ماشین به درون بافت تاریخی علاوه بر چندپارگی و از بین بردن انسجام بافت سنتی، شبکه معابر پیاده شهر را هم دچار اختلال کرده و بازار نیز به عنوان شاهرگ اصلی شبکه معابر پیاده دیگر عملکرد گذشته خود را ایفا نمی کند.

آنچه از بافت قدیم کرمان باقی مانده است عناصر ساختاری و واحدهای مسکونی فرسوده و یا نوسازی شده بدون هماهنگی با بافت اطراف و از بین رفتن نقش مرکز محلات شهر است. در این پروژه سعی شده تا با احیا و ایجاد شبکه معابر کارآمد به ساماندهی و حیات بخشی محله قلعه محمود کرمان پردازیم. اگرچه میدانیم که هنوز در آغاز راهیم و این صرفا یک تجربه آکادمیک و دانشجویی بود برای تمرین دستیابی به شهری که مردم آن به گذشته خود می بالند و سعی در نگهداری و حفظ یادگارهای گذشته همراه با ایجاد تسهیلات امروزی و مدرن در آن دارند.

به امید روزی که در شهرهای تاریخی کشورمان ایران دیگر اثری از بافت های مسأله دار نباشد.

به ادب نافه گشایی کن از آن زلف سیاه

جای دل های عزیز است، به هم بر مزنش

مبانی نظری طراحی :

بازار در گذشته محور اصلی شهر بوده که دسترسی های مورد نیاز اهالی شهر را فراهم میکرده و حیات را در شهر به جریان می انداخته و در این کالبد زنده و پویا نقش شاهرگی حیاتی را ایفا میکرده است. اما با گسترش خیابانها و شبکه عبور و مرور سواره بعضی از قسمت های بازار از بدنه اصلی جدا شده و منزوی و متروک مانده، از طرفی کشیده شدن فعالیت های اقتصادی و تجاری به کناره خیابان های جدیدالاحداث نیز مزید بر علت گشته و به متروکه و مخروبه شدن بیشتر بازار انجامیده است.

هدف اصلی در این پروژه احیای این شبکه حیاتی شهر بوده است، با توجه به این اصل که احیای بازار حیات و زندگی دوباره ای به محلات قدیمی خواهد بخشید و آنها را در جریان زندگی شهری قرار خواهد داد، زیرا این محلات یادآور معماری و شهرسازی سنتی ایران هستند که علاوه بر جنبه های زیباشناسانه، دارای عملکرد خوب و مؤثری در طول تاریخ بوده

اند و اگر دخالت های نابخردانه معاصر نبود، مطمئنا هنوز کارآمد و پویا بودند.

در طراحی شهری باید علاوه بر جنبه های کارکردی و عملکردی، به جنبه های روحی روانی ساکنین نیز توجه داشت: عرفای ما انسان را به اسب سواری تشبیه کرده اند که اسب در حکم نیازهای مادی انسان است و سوار همان روح است. شهرها فضای زندگی و آرامش روح انسانند، کاروانسراهایی برای اقامت روح نه جایگاهی برای مرکب و ماشین و اسب، با ابعاد فلان در فلان. در معماری سنتی نیز نمونه های بسیار زیبایی از این اصل داریم مثلا، اگر به روش ارائه آب در سقاخانه ها توجه کنیم می بینیم که در آنجا شما اصلا آب نمی خورید، عبادت می کنید و رد می شوید. یعنی آب هم می خورید، ولی آب خوردنتان چنان با یک واقعه مذهبی تاریخی گره می خورد که شما اصلا احساس عملکرد ندارید و آن اتفاق جسمانی که برایتان می افتد، اتفاق بسیار نازلی است مانند آن اسب در مقابل انسان. در راه احیا و ساماندهی بافت های قدیم مشکلات متعددی وجود دارد که در فصل گذشته به آن اشاره شد. یکی از عمده ترین مشکلات دسترسی سواره به بافت می باشد، ما مخالف ورود ماشین به بافت قدیم نیستیم زیرا مطمئنا برای زندگی بافت ناگزیر از پذیرش معابر سواره هستیم، ولی این پذیرش باید در قالب تعاریف تازه ای مطرح شود تا آرامش اهالی را بر هم نزند و به پیکره بافت آسیب نرساند. افراد ساکن در بافت قدیم حق دارند که از بهترین امکانات زندگی شهری استفاده کنند و جزئی از زندگی شهری باشند و این مستلزم ایجاد امکانات زیربنایی برای بافت قدیم می باشد.

بافت قدیم شهر جزئی از زندگی شهری است و اگر از جریان زندگی شهری جدا بیفتد، علاوه بر آنکه خود بافت صدمه می بیند، بلکه در جریان کلی شهر نیز اختلال ایجاد میکند. مثال بافت برای شهر مثل دست است برای بدن انسان؛ که اگر فلج شود نه تنها خود مرده و بی حرکت می شود، بلکه از توانایی های بدن انسان نیز کاسته می شود.

پس قصد ما در این طراحی آن بوده که با حفظ ارزشهای حاکم بر معماری قدیم آن را در جریان فعالیت اجتماعی امروز شهری قرار دهیم و محیطی سرشار از نشاط و فعالیت برای پیوند دیروز با امروز و با نگاهی به آینده داشته باشیم.

در این پروژه به احیا و ساماندهی محور پیاده بازار قلعه محمود به عنوان یکی از شاهرگهای اصلی شمالی جنوبی شهر کرمان پرداخته شده است، این محور که از قدیم با این کارکرد انجام وظیفه می کرده امروزه به دلیل جدا افتادن از بازار بزرگ

کرمان و احداث خیابان امام و جذب فعالیتهای اقتصادی به سوی خیابان، متروکه شده و جز چند مغازه کوچک بقالی، نانوائی و ... که به رفع نیازهای اهالی محله می پردازند، فعالیتی در آن دیده نمی شود.

از طرفی لازمه ایجاد پویایی و حیات در این بافت قرار دادن آن در جریان زندگی شهری است، همانطور که در قدیم هم نقشی شهری به عهده داشته است نه صرفاً محله ای. بنابراین در وهله اول باید به ساماندهی معابر بافت توجه کرد و سپس به بازار قلعه محمود به عنوان ستون فقرات محله و شهر نقشی شهری بخشید؛ نقشی که انحصاری بودنش بتواند پذیرفته شدنش را به عنوان بخشی زنده تضمین کند و مردم را از جاهای مختلف شهر به آنجا بکشاند.

پیشنهاد من تبدیل این بازار به مکانی برای عرضه صنایع نساجی سنتی کرمان از پارچه بافی، زری بافی، شال بافی تا گلیم، قالی و... و با تأکید بر هنرهایی که در خطر فراموشی قرار دارند میباشد؛ صنایعی چون برک بافی و شال بافی که حیاتشان به زندگی چند استاد قدیمی در نواحی پراکنده استان بستگی دارد و اگر کارگاه و امکاناتی برای انتقال و آموزش این هنرها به جوانان فراهم نشود، دیگر از هنری که روزی شاهان صفوی آنرا با افتخار به خاقان چین هدیه می دادند و جهانگردان در سفرنامه هایشان از آن یاد می کردند، اثری نخواهد بود. این طرح شامل محلهایی برای تولید، آموزش و عرضه آنهاست که بازار وظیفه نمایش و عرضه آنرا بعهدده خواهد داشت و بازدیدکنندگان و خریداران می توانند در صورت تمایل در جریان فرآیند تولید نیز قرار گیرند. ایجاد مکانی فرهنگی- هنری با کارکرد احیا هنرهای از دست رفته نساجی کرمان در کنار بازار و برقراری ارتباطی صحیح بین آن و بازار می تواند پشتوانه ای برای کار اقتصادی در بازار باشد.

نیز با توجه به تعداد خانوار موجود در محله، این بخش از شهر برای رفع نیازهای محلی خود به مسجد، مهدکودک، دبستان و یک مرکز درمانی در حد یک خانه بهداشت نیاز دارد. همینطور فضای سبز که برای تأمین آن می توان از زمینهای متروکه موجود در محدوده طراحی استفاده کرد.

خوشبختانه نیاز به مکان مذهبی را وجود مسجد قدیمی محل (مسجدالنبی) که متعلق به سال ۱۲۹۵ هجری قمری است، مرتفع می سازد که البته این بنا باید به عنوان یک میراث فرهنگی مورد توجه قرار گیرد. دو تکیه هم در این محله وجود دارد: تکیه ای روباز که فضای محله ای زیبایی در بافت ایجاد کرده است و تکیه ای دیگر که در مسیر راسته بازار قرار گرفته

است. دبستانی نیز در محل وجود دارد که در دو شیفت دخترانه و پسرانه مشغول به خدمت رسانی است. آنچه لازم بوده به محله اضافه شود مکانهای فرهنگی بهداشتی پارکینگ و فضای سبز می باشد.

در این طراحی سعی شده از فضاهای موجودی که سرپا بودند و امکان مرمت آنها بود، حداکثر استفاده بشود و با تقویت پیوند این بناها با گذشته، آنها را به محلّ فعالیت های اجتماعی در سطح محله تبدیل کرد تا نیازهای محلی مرتفع گردد؛ مثلاً حمام قدیمی که در محل وجود دارد و نیز خانه های قدیمی متروکه ای که قابل مرمت و استفاده اند، می توانند به مکانهای فرهنگی و کتابخانه تبدیل شوند. خانه های مسکونی دیگری نیز در محله وجود دارند که ساکنین علاقمند به ادامه زندگی در آنها هستند و با کمی مرمت قابل استفاده می باشند.

یکی از مهمترین کارها برای تقویت حیات در راسته بازار ادغام آن در زندگی محلی بود که این امر با ایجاد دسترسی ساکنین با معابر و گذرهای مناسب فراهم میشود؛ مسیرهایی که افراد را بجای رفتن به خیابان برای برطرف کردن نیازهایشان علاقمند کند به بازار بیایند و مایحتاجشان را از بازار تأمین کنند. این طرح مبتنی بر تقویت گذرهای منتهی به بازار و ایجاد مسیرهای جدید در معابری است که در این سالها ایجاد شده اند، مسیرهایی که به سمت خیابان بازند و به سمت بازار بن بست می باشند. وجود گره هایی در بازار که در طول راسته نیازهای محلی را برآورده میکنند نه تنها به تقویت بازار می انجامد، بلکه روح انسانی، ارتباط و همدلی محلی را که مبنای شهرسازی و معماری سنتی است، در محله زنده می کند و ایجاد ارتباط اجتماعی می نماید. میدانچه اول بازار می تواند به مرکز محله و محلی برای تجمع مردم تبدیل شود تا هدفی که در شهرسازی سنتی منظور بوده تأمین شود.

زندگی اجتماعی در محله هنگامی که افراد در آن احساس راحتی می کنند و دسترسی های کافی برای برطرف کردن نیازهایشان را دارند، نقش پررنگتری می یابد و در پرتو آن همگرایی و همدلی همگانی ای ایجاد میشود که خود در تسلسلی لذت بخش، از یک سو بانی تعهد احساسی شهروندان نسبت به شرایط محله و سعی شان در نگهداری عناصر آن می شود و از سوی دیگر مانع کوچ اهالی از محله می شود.

اولین گام برای رسیدن به نتیجه مطلوب ساماندهی محور پیاده قلعه محمود به عنوان یک محور عمده شهری می باشد. با ایجاد و تجهیز این محور ارتباط بازار و محله با کل شهر بیشتر و مؤثرتر میشود و به مرور بسیاری از مسایل اجتماعی و

Abstract:

There is no doubt that old urban fabric of Kerman is one of the most valuable historical structure in Iran , specially in city fabric and structural elements. This structure includes different enlargement period that in each period one structure or a collection of them have added to previous structure, without causing damage to the last structures.

This process has been continued until beginning of this century. With appearance of new regeneration patterns in the city and implementation of streets in city structure, not only, there was no attention to old urban fabric, but also they made fracture in city structure as new streets make incoherent junction in ancient urban fabric of Kerman. In next decades, new commercial complex were built beside of these axes and so these new buildings challenged the old city fabric and city bazaar.

At this time, external development of the city was started comprehensively and many original resident of the old city changed their residence to those new centers. They relinquished their homes and no one made any conservation on them. In addition to destruction of residential old centers, old public buildings such as bath, hotel, motel and so forth were relinquished because of implementation and development of modern service centers. In the other hand, creation of wide streets to made historical fabric available for automobiles access was deteriorated path network of the city, in addition to making fracture in coherency of ancient fabrics.

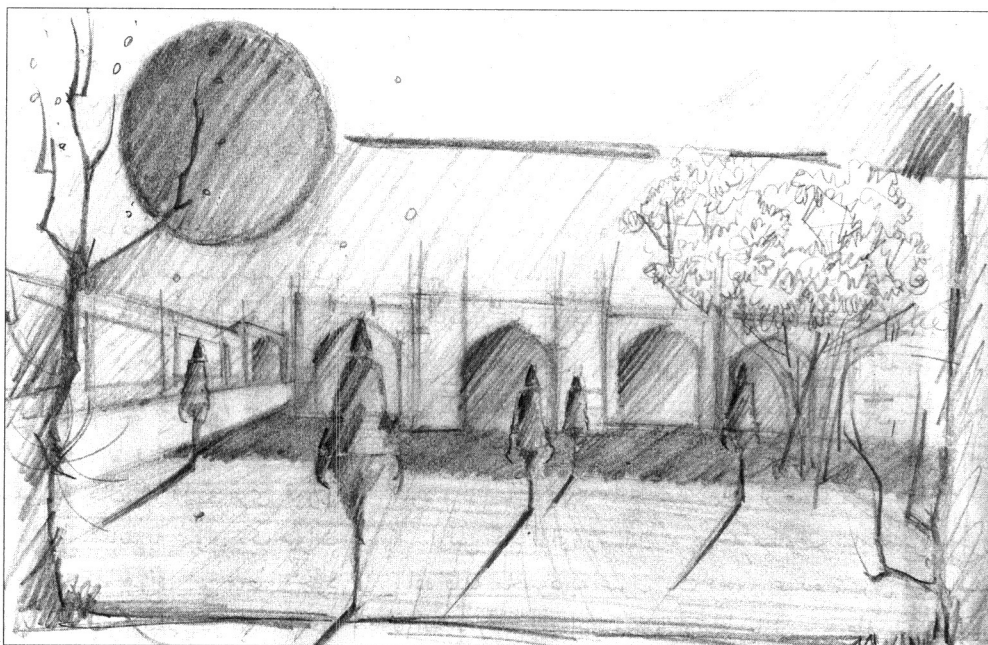
What are remained of old fabrics of Kerman are fabrication elements and destructive residential unite or renewal ones without paying attention to beside structures.

In this project, I try to conserve and make appropriate path network for conservation and restoration of Ghale Mahmoud of Kerman. Although, I believe that we are on the first step and this is an academic experience for achieving a city in which its people take a pride and they try to keep their relic, as they attempt to provide modern, new facilities.

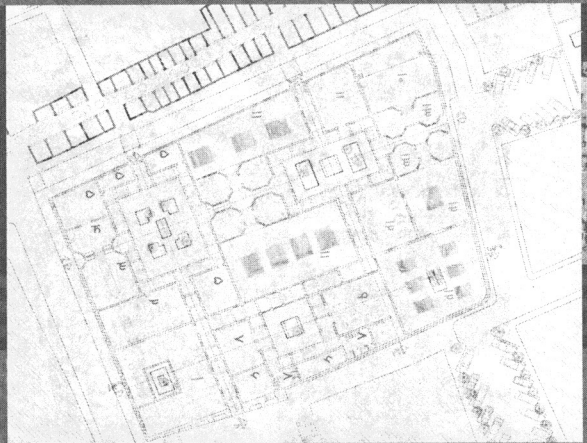
اقتصادی محله برطرف می گردد. برای رسیدن به نتیجه مطلوب که همانا تجدید حیات شهری در بافت قدیم می باشد، توجه به زیرساختهای طرح لازم و واجب می باشد و نمی توان با سیاست ها و برنامه ریزی های ساده انگارانه به احیاء بافت قدیم و نگهداری ارزش های آن همت گمارد. بنابراین باید بسترها و زمینه های مناسب را برای رونق و شکوفایی بافت توسط طراحی های جدید بوجود آورد. در محدوده مورد نظر نیز تنها طراحی و ساخت مجموعه های فرهنگی، هنری و ... به تنهایی نمی تواند مشکلات عدیده محلی و شهری بافت را حل کند و باید به راهبردهای کالبدی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... نیز فکر کرد.

طراحی:

در این پروژه ابتدا به ساماندهی محله بخصوص احیا و بهسازی معابر آن می پردازیم و سپس برای رونق بخشیدن به وضعیت اقتصادی محله و بالا بردن سطح فرهنگی اهالی و ... به طراحی فضایی در کنار بازار تحت عنوان مرکز احیا نساجی سنتی کرمان می پردازیم.



شکل شماره ۳-۱۰ نمونه ای از یک فضای محله ای پویا



پالت مرکز احمیاء، نساجی سستی گرمات

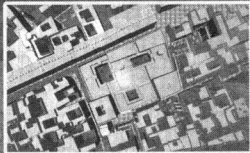
مقیاس ۱:۲۵۰

4510

estimates 800.00 1000.00 1000.00

101.6 0811.D Cuyana.K

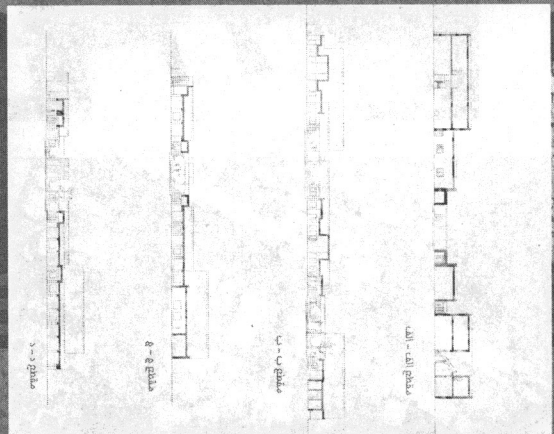
Иср. 9. Сибирь, Иркутск. А. Сибиряков. У.

[illegible]

Chas. W. W. W. W.

© 1999 by the author. All rights reserved.

197 A.F. Johnson



Calc - Calc phase

٢٠ - ٢١

8 - 2 Pch

2000

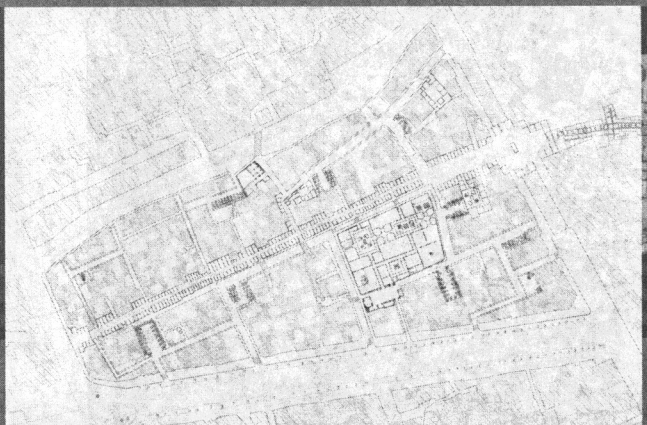
نہا مَقَطَع

مرکز آمیا نساجی کرمان

 $\text{AsPO}_4 \cdot 2\text{H}_2\text{O}$ 

Ukay xana nall' alba

Call today



بُلات ساساندهی

Olney's name calls him

[illegible]

ГЛАВНОЕ УПРАВЛЕНИЕ

colloids and cell coating (1985)

